

امنیت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی

تحلیلی فازی از الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ابوالقاسم شهریاری^۱

سید حسین اطهری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

چکیده

امنیت مسئله اساسی تمامی دولت‌های جهان است که بعد خارجی آن توسط سیاست خارجی کشورها مورد پیگیری قرار گرفته و در تأمین آن کشورهای همسایه که محیط بلافصل هر کشور می‌باشند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند چراکه بروز مسائل امنیتی در یکی از کشورهای هم‌مرز، احتمال وقوع اثر دومینو را افزایش داده و به ایجاد معضلات امنیتی در دیگر کشورهای همسایه و یا منطقه منتهی می‌گردد. سؤال اصلی پژوهش از این موضوع نشات گرفته و عبارت است از اینکه وضعیت شکنندگی دولت‌ها در آسیای جنوب غربی چگونه است و راهبرد متناسب برای امنیت و ارتقای جایگاه ایران چیست؟ برای پاسخ بدین سؤال نظریه امنیت منطقه‌ای به‌عنوان مبانی نظری و منطق فازی به‌عنوان روش تحقیق انتخاب شده است تا از طریق بررسی شکنندگی دولت‌های آسیای جنوب غربی ضمن شناخت تهدیدات امنیتی موجود، در گام دوم، سیاست خارجی متناسب با وضعیت موجود را فرا رو نهد. نتیجه بررسی وضعیت آسیای جنوب غربی در شکنندگی دولت‌ها حاکی از آن است که ۱۳ دولت از ۱۷ دولت موجود، دارای هشدار شکنندگی و ایجاد معضلات امنیتی هستند و با استناد به نظریه امنیت منطقه‌ای، به نظر می‌آید که چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی با توجه به وضعیت هر یک از مسیرهای شناسایی شده، علاوه بر تأمین امنیت منطقه‌ای، منجر به ایفای نقش محوری برای جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

کلید واژه: آسیای جنوب غربی، سیاست خارجی ایران، منطق فازی، چندجانبه‌گرایی، امنیت منطقه‌ای.

مقدمه

بر شکل‌گیری پدیده‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (سرمست و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱۴). این واحدهای سیاسی برای حفظ موجودیت و همچنین دستیابی به اهداف خود دارای ارتباط با جهان بیرونی و سایر دولت‌ها هستند که این موضوع به شکل‌گیری مفهوم سیاست خارجی منتهی گردیده که عبارت است از تلاش دولت‌ها

جهان سیاسی یا نقشه سیاسی جهان مرکب از دولت‌ها و یا واحدهای سیاسی است که از آن‌ها به کشور تعبیر می‌شود. دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست جهان و روابط بین‌الملل هستند. آن‌ها اصالت استقلال و حاکمیت دارند و بر این اساس و متناسب با موقعیت و منزلت خود در نظام بین‌الملل

۱ استاد مدعو دانشگاه فردوسی مشهد، ایمیل: ab.shahriari@mail.um.ac.ir
۲ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

مرزهای گسترده زمینی با کشورهای این منطقه، تأثیرپذیری بالایی وجود دارد که این موضوع زمینه‌ساز توجه ویژه در تأمین امنیت به مسائل امنیتی موجود در آسیای جنوب‌غربی است.

آسیای جنوب‌غربی در متون کلاسیک به‌عنوان یک حوزه جغرافیایی وسیع به کار برده می‌شود که چندین منطقه مشهور در خود جای داده که این مناطق در میان قاره‌های آسیا و اروپا قرار دارد (مرادی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۲؛ زارعان، ۱۳۹۷: ۱۰۵) این منطقه شامل ۱۸ کشور مستقل (آذربایجان، ارمنستان، اردن، افغانستان، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، پاکستان، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، گرجستان، لبنان، یمن) است (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۹۶: ۱۲).

منطقه آسیای جنوب‌غربی یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی و درعین‌حال ژئواکونومیک جهان محسوب گردیده و پل ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و شمال و جنوب قاره آسیا محسوب می‌شود. این منطقه به‌دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش نقش مهمی در سیاست‌های جهانی داشته و درعین‌حال در پیشینه خود از تعارضات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک بالایی برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که این منطقه بیش از آنکه شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و همگرایی باشد، حول محور چالش‌های امنیتی درون منطقه‌ای شکل گرفته است (عبدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۷). موضوعات امنیتی این منطقه از آن جهت برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت می‌گردد که اتصال مناطق مختلف و چندپاره این حوزه، صرفاً از طریق ایران میسر می‌گردد به این طریق که عمده کشورهای حاضر در این منطقه، دارای مرزهای مشترک با ایران هستند (۶ کشور دارای مرز زمینی، ۶ کشور دارای مرز دریایی). به‌همین دلیل نیز وقوع مسائل امنیتی در این منطقه پرآشوب، تأثیر مهمی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

این منطقه به‌واسطه تاریخ طولانی و تنوع ساختاری خود همواره مستعد شکل‌گیری گروه‌بندی‌های

جهت به‌کارگیری ابزارهای در اختیار خود و برای پیشینه‌سازی منافع، حفظ و گسترش امنیت ملی، درک و رفع تهدید علیه خود (خسروی باب اناری، ۱۳۹۶: ۳۶). تعاریف نسبتاً زیادی از سیاست‌خارجی ارائه شده است. کریستوفر هیل، سیاست‌خارجی را مجموعه روابط خارجی رسمی یک بازیگر مستقل در روابط بین‌الملل تعریف می‌کند که این روابط مبتنی بر کنش هدفمند و در راستای توسعه منافع است. از نظر کوهن و هریس^۲ سیاست‌خارجی مجموعه‌ای از اهداف، دستورالعمل‌ها یا نیاتی است که توسط مقامات رسمی با نهادهای حاکمیتی، در رابطه با کنش‌گران یا شرایط محیطی خارج از حاکمیت دولت-ملت طراحی شده و هدف آن، تأثیرگذاری بر هدف، به شیوه مورد نظر سیاست‌گذاران است (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰). به‌عبارت‌دیگر، هر دولتی داده‌های سیاست‌خارجی خود را در جهتی تنظیم می‌کند که در نهایت، خواست‌ها و نیازهای امنیتی، راهبردی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تأمین شود (قوام، ۱۳۹۰: ۱۲۳). در تعریف دیگر آورده شده است که سیاست‌خارجی عبارت است از تصمیم‌ها، کنش‌ها و اقدامات یک کشور در قبال سایر بازیگران و محیط بین‌المللی (Grigsby, 2009: 67) که بر پایه‌ی یک طرح و برنامه و راهبرد از پیش تعیین‌شده به‌وسیله‌ی تصمیم‌گیرندگان برای تأمین اهداف مشخص و معین صورت می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۱). جان مایه تعاریف مفهومی سیاست‌خارجی، منوط بودن موفقیت یک واحد سیاسی کلان (کشور) به حضور موفق در عرصه خارجی است که لازمه آن نیز شناخت محیط پیرامونی و بین‌المللی‌ای است که یک کشور در آن حضور داشته و ایفا نقش می‌نماید.

یکی از محیط‌های پیرامونی جمهوری اسلامی ایران که به لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی یک محیط بین‌المللی ویژه نیز محسوب می‌گردد، منطقه آسیای جنوب‌غربی است (پیشگاهی‌فرد و علیزاده، ۱۳۹۷: ۶۰) که محیط بلافصل ایران محسوب شده و به‌همین دلیل پیوستگی تام امنیتی با آن دارد، چراکه به‌واسطه

1 Christopher Hill

2 Cohen & Harris

جامعه مفید و مناسب نمی‌دانند (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۱). به دیگر سخن، دولت ضعیف و شکننده از ظرفیت لازم برای کنترل و نفوذ در جامعه، تنظیم روابط اجتماعی، استخراج منابع انسانی، مادی و نمادین و تخصیص مقتدرانه منابع برخوردار نیست و ناتوان از برقراری نظم و اعمال اقتدار در جامعه است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۹۷). در چنین وضعیتی، حاکمیت دولت کاملاً از بین نرفته است، اما دولت با بحران اقتدار یا اقتدار روبه تنزل و خطر اضمحلال روبرو است (Collier, ۲۰۰۳: ۷۳).

ایران به‌عنوان کشوری در همسایگی بی‌واسطه منطقه آسیای جنوب‌غربی، ظرفیت تأثیر پذیرفتن از وضعیت امنیتی در این منطقه را داراست. استمرار بحران‌های موجود در این منطقه به‌عنوان محیط می‌سازد که در صورت وقوع مسئله امنیتی در این منطقه، با اثر دومینو^۳ مواجه خواهیم بود. دومینو نوعی بازی است که در آن، زنجیره‌ای از قطعات پشت سر هم چیده می‌شوند و با ضربه‌ای به اولین قطعه و به‌واسطه افتادن آن، به ترتیب سایر قطعات می‌افتند. دومینو در واقع سقوط رشته‌ای از قطعات است که در وضعیتی آرام، ناپایدار و متقارن قرار گرفته‌اند و به عکس‌العمل آن‌ها و به آشفتگی موجود بستگی دارد. اثر دومینو به این وضعیت اشاره دارد که وقتی چند کشور در کنار هم قرار دارند، ممکن است سقوط دولت در یکی از آن‌ها به همه منطقه سرایت کند (معلومی و زرگر، ۱۳۹۸: ۲۹). دابلج و مولر^۴ نظریه دومینو را چنین تعریف کردند: «نظریه دومینو معتقد است که بی‌ثباتی با هر علتی در یک کشور می‌تواند منجر به فروپاشی نظم در کشور همسایه شود؛ به‌بیان دیگر، شروع زنجیره‌ای از خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور، دارای این توانایی است که به شکل اپیدمی بر کشورهای همسایه تأثیر بگذارد» (De Blij & Muller, ۱۹۹۴: ۵۶۹)؛ بنابراین، نظریه دومینو بیان می‌کند که وقوع خشونت، جنگ داخلی، بحران اقتصادی و ... در یک کشور، حالت اپیدمی یا شیوع یافتگی دارد و خطر فعال

متعارض حول شکاف‌های قومی و مذهبی‌ای بوده که با وضعیت سیاسی متراکم شده و گسست‌های سیاسی و امنیتی پر دامنه و خطرناکی را ایجاد نموده که مهم‌ترین آن‌ها افراط‌گرایی اسلامی به‌ویژه پس از شکل‌گیری داعش است (ذاکری، ۱۳۹۷: ۱۵۵). همچنین باید در نظر داشت که این منطقه به‌ویژه دارای اهمیت ویژه در مسائل اقتصادی جهانی (قصاب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۸) و همین امر موجب شده است که بسیاری از کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی همچون، روسیه، هند، چین و آمریکا برای تسلط و نفوذ در این مناطق به رقابت با یکدیگر پردازند؛ حضوری که به‌دلیل اقدامات منفعت‌جویانه برخی از نیروهای فرمانطقه‌ای، به مسائل امنیتی منطقه دامن زده است. هم‌زمانی شرایط توصیف‌شده باعث گردیده تا علی‌رغم استفاده از یک نام واحد، کشورهای حاضر در این منطقه در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی نظامی و... با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند. تعدد چنین شکاف‌ها و تعارضاتی در این منطقه سبب ضعف ساختاری دولت در آن گردیده است؛ به‌گونه‌ای که وضعیت شکنندگی از ویژگی‌های اصلی دولت در این منطقه در سالیان گذشته محسوب می‌شود. این شکنندگی گرچه حاصل نتیجه شرایط حاد امنیتی در داخل کشورها است، زیرا ویژگی اساسی دولت‌های شکننده از یک‌سو ناتوانی ساختاری آن در مقابل یک جامعه پرشکاف، دارای پیوندها و تعلقات درونی و شبکه‌های درهم‌تنیده محلی‌گرایانه و ازسوی دیگر ایجاد مسائل امنیتی منطقه‌ای است، چراکه همپوشانی قومی و مذهبی ویژگی بارز مناطق مرزی کشورهای آسیای جنوب‌غربی است و وجود هویت‌های مشترک در مناطق مرزی این منطقه، خطر شیوع مسائل امنیتی هر کشور به همسایگان را افزایش می‌دهد. در تعریف شکنندگی دولت چنین آورده شده که: نهاد رسمی دولت جایگاه و مفید بودن خود را به‌عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند. دولت‌های ضعیف دولت‌هایی هستند که قادر به تأمین امنیت برای مردم نیستند، کنترلی بر منابع ندارند و مهم‌تر از همه، مردم حکومت آن‌ها را برای

3 Domino Effect

4 De Blij & Muller

چارچوب نظری

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۵ به‌عنوان چارچوب تحقیق حاضر انتخاب گردیده است. در متداول‌ترین تعریف، مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت است از گروهی از کنش‌گران که نگرانی‌های اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به هم گره‌خورده که امنیت آن‌ها را به‌صورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر موردتوجه قرار داد. شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از یک‌سو ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و ازسوی دیگر، ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است (Buzan, ۵۱۲۰۰۳: and Waever).

در این نظریه، بُعد جهانی امنیت مورد انتقاد قرار گرفته و در مقابل آن، موضوع امنیت منطقه‌ای مطرح نظر قرار می‌گیرد. به اعتقاد باری بوزان^۶، حوادثی که در اواخر جنگ سرد در نظام بین‌الملل به وجود آمده هم ابعاد جدیدی از امنیت را مطرح کرده و مشخص ساخت که تحلیل‌های سطح کلان و سطح خرد نمی‌تواند پاسخگوی تغییرات ایجادشده در ابعاد و مرجع امنیت باشد (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۴). از نظر بوزان امنیت ملی به‌خودی‌خود یک سطح معنادار تحلیل نیست. دلیل این امر را می‌توان این‌چنین بیان کرد که پویای امنیتی ذاتاً رابطه‌ای هستند و هیچ ملتی به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت خود را تأمین کند (بوزان و الیور، ۱۳۸۸: ۴۸). بر اساس آنچه بوزان در نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای توضیح می‌دهد، در صورتی که موضوع‌های امنیتی در کنار یکدیگر فهرست شوند و در ترکیب با کنش‌گران مرتبط با آن موضوع‌ها و مسائل امنیتی موردتوجه قرار گیرد، مشخص خواهد شد که در برخی مناطق از جهان، شدت تهدیدهای امنیتی و نیز نوع منافع و عملکرد کنشگران درگیر در آن، فضای امنیتی متفاوتی را نسبت به مناطق پیرامونی به وجود آورده است (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۲۹؛ عزیز، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

بوزان و ویور^۷ به‌عنوان شارحان اصلی امنیت

شدن گسل‌های قومیتی، خشونت مذهبی، نابسامانی اقتصادی و ... را در کشورهای منطقه افزایش می‌دهد و به تهدیدی برای امنیت ملی یک کشور مبدل می‌گردد؛ بحران اقتصادی اتحادیه اروپا، بهار عربی و همچنین بروز و ظهور داعش را می‌توان مثل‌هایی از اثر دومینو دانست.

با توجه به آنچه گفته آمد، وقوع مسائل امنیتی در آسیای جنوب‌غربی نتیجه شکنندگی دولت‌های مستقر در این منطقه است و ازجمله مسائل مهمی است که می‌بایست موردتوجه نظام سیاسی ایران قرار گرفته و برای جلوگیری از آن از باید ابزار سیاست‌خارجی و دیپلماسی سود جست چراکه عدم شناخت از حقایق و وضعیت موجود به اتخاذ تصمیم یا اقداماتی منتهی گردد که پیامدهای ناگواری را رقم بزند (شفیعی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷۵)؛ به‌همین دلیل نیز همکاری با همسایگان امنیت منطقه‌ای را به‌عنوان الگویی مؤثر موردتوجه قرار داده است (نیاکوئی و عسگریان، ۱۳۹۴: ۷۱). نکته مهم دیگر نیز این موضوع است که هر بخشی از آسیای جنوب‌غربی دارای شرایط امنیتی مختص به خود است که متفاوت با سایرین بوده و باید نگرشی ویژه‌ای بدان داشت. به‌همین دلیل، در گفتار حاضر، ابتدا به بررسی وضعیت شکنندگی ۱۷ دولت در آسیای جنوب‌غربی بر اساس منطق فازی پرداخته خواهد شد تا شباهت‌های موجود در میان دولت‌های منطقه شناسایی گردد؛ پس‌از آن به بررسی نظری در خصوص وضعیت به‌دست‌آمده پرداخته خواهد شد و در انتها نیز الگوی پیشنهادی برای سیاست‌خارجی و دیپلماسی ایران در آسیای جنوب‌غربی به‌عنوان نتیجه‌گیری تشریح خواهد گردید؛ بنابراین، سؤال چندبخشی تحقیق حاضر عبارت است از: وضعیت شکنندگی دولت‌های آسیای جنوب‌غربی چگونه است؟ چندمسیر شکنندگی در این منطقه وجود دارد؟ باتوجه‌به وضعیت آسیای جنوب‌غربی، الگوی مناسب سیاست‌خارجی ایران چیست؟ باتوجه‌به ماهیت اکتشافی تحقیق، از ارائه فرضیه خودداری شده است.

5 Regional Security Complex Theory

6 Barry Buzan

7 Buzan and Waever

عین مستقل بودن، از پویایی امنیتی برخوردارند که حتی بدون تأثیر سایر بازیگران، وجود خواهند داشت (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۵). بوزان معتقد است در سطح منطقه‌ای دولت‌ها آن اندازه به یکدیگر نزدیک هستند که نمی‌توان امنیت آن‌ها را جدای از یکدیگر در نظر گرفت. در سطح منطقه‌ای امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از حوادث هم در آن رخ می‌دهد. تصویر کلی در محل تقاطع این دو، شکل می‌گیرد؛ یعنی قدرت‌های جهان در سطح سیستمی یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و مجموعه وابستگی متقابل امنیتی نزدیک به هم در سطح منطقه‌ای شکل می‌گیرد (نورمحمدی و فصیحی دولتشاهی، ۱۳۹۷: ۱۵۷؛ چگنی‌زاده و احمدیان، ۱۳۹۸: ۷۵).

مواد و روش

باتوجه به اینکه تعداد ۱۷ کشور در آسیای جنوب غربی مدنظر بوده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند، برای بررسی مسیرهای شکنندگی آن‌ها از تحلیل منطق فازی استفاده شده است. بر اساس روش فازی برای هریک از مفاهیم موجود در دستگاه نظری به مثابه یک مجموعه، تابع عضویت فازی تعریف شده و در مرحله دآوری بر مبنای میزان عضویت فازی، تحلیل علی فازی انجام گرفته و برای هریک از مفاهیم، تابع عضویت تعریف شده است. تابع عضویت فازی عنصر کلیدی در روش فازی است. تابع عضویت فازی هم برحسب مقولات کیفی و هم برحسب تفاوت‌های کمی در میزان عضویت در بازه (۰ تا ۱) عملیاتی می‌شود (کولائی و اکبری، ۱۳۹۶: ۱۶۱)؛ ارزش یک برای مثال بیانگر عضویت کامل و ارزش صفر عدم عضویت کامل است. در این دستگاه معرفتی، حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می‌یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می‌شود (ساعی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۳).

در منطق فازی با تأکید بر نظام چند ارزشی، نه تنها عضویت یا عدم عضویت (یک یا صفر) را می‌پذیرد بلکه در عین حال میزان عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها را درجه بندی می‌کند. به بیان دیگر، منطق فازی نوع و میزان عضویت را بازنمایی می‌کند و فضای

منطقه‌ای چنین بیان نموده‌اند که از یک سو امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود؛ زیرا از طریق فهم عملکرد واحدهای مجزا نمی‌توان امنیت آن‌ها را درک کرد و باید از طریق درک پویایی‌های امنیت منطقه‌ای درکی وسیع‌تر از امنیت یافت؛ چراکه به قدری مسائل امنیتی کشورها درهم تنیده است که نمی‌تواند جداگانه مورد تحلیل قرار بگیرد. از سوی دیگر، سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست؛ بنابراین منطقه، مناسب‌ترین سطح برای تحلیل امنیت است. بوزان و ویور معتقدند که باید سلسله مراتبی از سطوح تحلیل در درون سیستم بین الملل را مدنظر قرار داد که هر یک از آن‌ها قابل دوام، مهم و حاوی ویژگی‌هایی باشند که آن‌ها را از لحاظ امنیتی خودبسنده باشند؛ یعنی مسائل امنیتی آن‌ها فارغ از نقش آفرینی بازیگران خارجی، خاص آن‌ها باشد. به همین دلیل نیز، سطح میانی امنیت منطقه‌ای را طراحی نموده‌اند. به نظر آن‌ها، امنیت منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده است، هم از گستردگی بیش از حد گستره امنیت اجتناب شده است. در سطح منطقه‌ای امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از حوادث هم در آن رخ می‌دهد. ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی چهار متغیر دارد: مرز که مجموعه امنیت منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند؛ ساختار آناشیک، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشند؛ قطبش که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست؛ ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوست و دشمنی میان واحدهاست. ضمن آنکه باید به این الگو، تأثیرات نفوذ قدرت‌های خارجی را هم افزوده گردد (Buzan and Waever, ۲۰۰۹: ۲۶۴-۲۵۳).

بنابراین، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای الگوی نظری مناسبی به جهت تحلیل وضعیت کلان منطقه آسیای جنوب غربی است زیرا معتقد است که ویژگی‌های امنیتی در سطح منطقه‌ای پایدارند؛ ضمن آنکه این ویژگی‌ها در اصل خودکفا هستند زیرا در

کشورهای در معرض خطر، بالاتر از ۱۰۰ به عنوان کشورهای شکننده). برای پردازش و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار FS/QCA استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش کشور است. همچنین در این تحقیق نمونه‌گیری به معنای آنچه در روش‌های کمی مورد نظر است، انجام نشده بلکه سعی شده است بر اساس استراتژی تمام شماری کلیه موردهای مرتبط که دارای داده برای انجام مقایسه بودند، مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، آزمون شرط لازم انجام شده است. با این توضیح که برای آزمون فازی شرط لازم دو نوع آزمون وجود دارد: آزمون قطعی و آزمون احتمالی؛ شیوه آزمون به نحوی است که یا هم‌زمان هر دو آزمون اجرا می‌شود و یا انتخابی یکی از این دو نوع آزمون. آزمون قطعی شرط لازم با یک مورد ناسازگار رد می‌شود ولی آزمون احتمالی در سطوح معناداری متفاوت قابل تفسیر است. مقدار شاخص‌های سازگاری و پوشش در آزمون احتمالی بین ۰ تا ۱ در نوسان است. در آزمون قطعی، ملاک قبولی فرضیات این است که شاخص سازگاری برابر یک باشد ولی در آزمون احتمالی در سطوح معناداری متفاوت، ملاک قبولی فرضیات تا ۰٫۷۵ در مطالعات کلان نیز مورد قبول است. در تحقیق حاضر، از آزمون شرط لازم احتمالی سود جسته شده است. شاخص‌های مهم آزمون شرط لازم، یعنی سازگاری و پوشش این چنین تعریف شده‌اند:

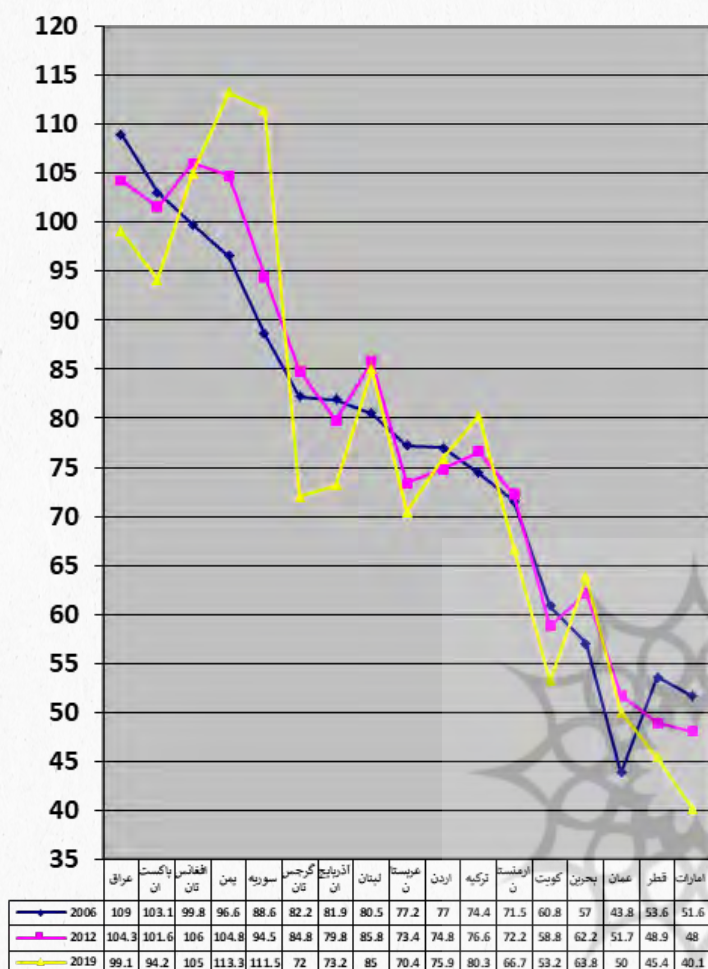
الف) شاخص سازگاری: بیانگر این امر است که معلول یا نتیجه تا چه میزان در مجموعه شرط لازم عضویت داشته و چه میزان خارج از آن است. این شاخص رابطه دو مجموعه را بر اساس شرط لازم و نتیجه توضیح می‌دهد. بر مبنای اصل سازگاری، شواهد تجربی به‌طور کامل از اصل زیرمجموعه پیروی می‌کنند. طبق این اصل همه مصادیق نتیجه به لحاظ نظری، زیرمجموعه‌ای از مجموعه مصادیق شرط لازم را تشکیل می‌دهند. در واقع شاخص سازگاری، معرف میزان اهمیت نظری رابطه مجموعه‌هاست.

دو ارزشی صفر و یک را به فضای سه ارزشی صفر، ۰/۵ و یک (چندارزشی) تعمیم می‌دهد. ارزش‌های صفر و یک در فاصله مساوی از نقطه میانی، یعنی ۰/۵ قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، می‌توان از انواع و میزان عضویت سخن گفت که آن را عضویت فازی می‌نامند. بر مبنای منطق فازی، همه چیز به‌طور نسبی درجه‌بندی می‌شود و حقیقت چیزی بین صفر و یک است (ساعی، ۱۳۹۰: ۸۱).

هرچه نقاط گست و ارزش‌های عددی فازی در بازه [۰ و ۱] بیشتر باشد، دقت پژوهش نیز بیشتر می‌شود. عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی درجه‌بندی میزان عضویت در یک مجموعه است؛ بنابراین می‌توان به یک مجموعه فازی به‌منزله متغیر پیوسته‌ای نگریست که به‌صورت عمدی و هدفمند برای نشان دادن درجه عضویت در یک مجموعه مدرج شده است (طالبان، ۱۳۸۸: ۳۹). مجموعه فازی بر سه نقطه برش کیفی استوار است: کاملاً عضو، نقطه گذر و کاملاً غیرعضو. نقطه‌گذار دارای حداکثر ابهام است؛ به این معنا که یک گزاره بیشتر عضو یا بیشتر غیرعضو مجموعه است. در منطق فازی به این ابهام توجه می‌شود. نقطه گذر، موردها را با عضویت بیشتر در یک مجموعه از موردهایی که بیشتر غیرعضو مجموعه هستند، جدا می‌کند (ساعی، ۱۳۸۸: ۱۷۳).

در این پژوهش از تابع عضویت فازی S شکل استفاده شده است. این تابع عضویت به پژوهشگر اجتماعی کمک می‌کند تا با استفاده از نمره هر واحد مورد مطالعه از یک متغیر، درجه عضویتش در مجموعه‌ای را مشخص کند که بر اساس همان متغیر تعریف می‌شود (ساعی و کبیری، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۱). بعد از محاسبه امتیازات هر یک از کشورها برحسب متغیرهای سازنده شکنندگی کشورها، ارزش‌های بیشینه و کمینه توزیع فراوانی متغیرهای مورد نظر تعیین گردیده است. سپس برای تعیین سه نقطه گسست، یعنی آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه تقاطع، از معیارهایی که در گزارش سالانه دولت‌های شکننده ارائه شده بهره گرفته شده است (کمتر از ۶۰ به‌عنوان کشورهای باثبات، بین ۶۰ تا ۹۰ به‌عنوان

نمودار ۱- مسیر شکنندگی کشورهای آسیای جنوب غربی



2006 2012 2019

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس گزارش شکنندگی دولت‌ها

ب) شاخص پوشش^۹: مکمل شاخص سازگاری است. این شاخص بیانگر میزان اهمیت شرط لازم برای وقوع نتیجه است. پوشش کم، نشان‌دهنده بی‌اهمیتی شرط لازم است؛ بنابراین چنین شرطی فاقد اهمیت تجربی است. بر اساس استدلال ارائه شده می‌توان گفت دو شاخص سازگاری و پوشش در مجموع کمک می‌کنند، شروط با سازگاری پایین (شروط فاقد ارزش نظری) و شروط با پوشش پایین (شروط فاقد ارزش تجربی)، شناسایی شوند (ساعی و کبیری، ۱۳۹۱: ۹۲).

براین اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه وضعیت شکنندگی دولت‌ها در آسیای جنوب غربی چگونه است و راهبرد متناسب برای امنیت و ارتقای جایگاه ایران چیست؟

در این پژوهش به‌منظور بررسی وضعیت شکنندگی در آسیای جنوب‌غربی از شاخص‌های مرکز بنیاد صلح^{۱۰} استفاده می‌شود که بر اساس سه شاخص اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طراحی گردیده است که هر یک از شاخص‌ها از ترکیب چندین متغیر ساخته شده‌اند. متغیرهای موردبررسی عبارت‌اند از: فشارهای جمعیتی، آوارگان خارجی، نیروهای نظامی خودگردان، مهاجرت و فرار مغزها، توسعه نامتوازن، افول اقتصادی، مشروعیت دولت، خدمات عمومی، کاربرد دلخواهانه از قانون، جناح‌بندی نخبگان داخلی، مداخله خارجی و خشونت گروه‌های انتقام‌جو بررسی می‌شود. گزارش سال ۲۰۱۹ این سازمان در خصوص شکنندگی کشورهای جهان مبنای تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

الف) یافته‌های تجربی

پیش از بررسی مسیرهای شکنندگی دولت‌های موجود در منطقه آسیای جنوب‌غربی، توصیفی از فرایند شکنندگی دولت‌های این منطقه در بازه زمانی ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۹ ارائه می‌گردد.

۱۷ کشور مورد بررسی بر اساس سه نقطه تقاطع، به شرح ذیل تقسیم می‌گردند:

جدول شماره ۱- وضعیت شکنندگی دولت‌ها

کشورها	وضعیت
امارات متحده عربی، قطر، عمان، کویت	باثبات (شکنندگی کمتر از ۶۰)
بحرین، ارمنستان، عربستان، گرجستان، آذربایجان، اردن، ترکیه، لبنان	در معرض خطر (شکنندگی بالاتر از ۶۰ تا ۹۰)
پاکستان، عراق، افغانستان، سوریه، یمن	دولت‌های شکننده (بالاتر از ۱۰۰)

امتیاز شکنندگی کشورها و نمره فازی آن‌ها به شرح ذیل است:

جدول شماره ۲- امتیاز شکنندگی دولت‌ها

کشور	شکنندگی	نمره فازی
یمن	۱۱۳/۵	۱
سوریه	۱۱۱/۵	۱
افغانستان	۱۰۵	۰,۹۶
عراق	۹۹/۱	۰,۹۴
پاکستان	۹۴/۲	۰,۹
لبنان	۸۵	۰,۷۹
ترکیه	۸۰/۳	۰,۷
اردن	۷۵/۹	۰,۶
آذربایجان	۷۳/۲	۰,۵۳
گرجستان	۷۲	۰,۵
عربستان	۷۰/۴	۰,۴۶
ارمنستان	۶۶/۷	۰,۳۷
بحرین	۶۳/۸	۰,۳۱
کویت	۵۳/۲	۰,۱۳
عمان	۵۰	۰,۱
قطر	۴۵/۴	۰,۰۷
امارات	۴۰/۱	۰,۰۴

بررسی مسیرهای شکنندگی

اگرچه ممکن است مجموع امتیازات چند کشور آن‌ها را در موقعیت یکسانی قرار دهد، اما به این دلیل که شاخص شکنندگی دولت‌ها از ترکیب چندین عامل محاسبه می‌گردد، وضعیت نهایی مشابه می‌تواند از موقعیت‌های متفاوتی حاصل آمده باشد. برای بررسی این موضوع، با استفاده از منطق فازی و شروط لازم، ۱۷ کشور منطقه آسیای جنوب‌غربی و شرایطی که به شکنندگی آن‌ها منتهی می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه بررسی تمامی کشورها در گروه کشورهای با هشدار شکنندگی قرار دارند.

مسیرهای شکنندگی

بر اساس داده‌های موجود، منطق فازی ۱۷ مسیر را برای شکنندگی دولت‌های منطقه آسیای جنوب‌غربی مشخص نموده است:

مسیر اول: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون؛ در این مسیر سه کشور حضور دارند: عربستان، اردن، بحرین.

مسیر دوم: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + توسعه اقتصادی ناموزون + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون + جریان وسیع آوارگان + مداخله دولت‌های دیگر؛ در این مسیر ترکیه و لبنان قرار دارند.

مسیر سوم: نیروهای نظامی خودگردان + نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + سقوط اقتصادی سریع + توسعه اقتصادی ناموزون + فرار افراد به صورت مداوم + عدم مشروعیت + افول ارائه خدمات عمومی + کاربرد دلخواهانه از قانون + فشارهای جمعیتی + جریان وسیع آوارگان + مداخله دولت‌های دیگر؛ در این مسیر کشورهای پاکستان، عراق، افغانستان، سوریه و یمن قرار می‌گیرند.

مسیر چهارم: نخبگان مخالف دولت + عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون + جریان وسیع آوارگان + مداخله دولت‌های دیگر؛ در این مسیر آذربایجان قرار دارد.

مسیر پنجم: نخبگان مخالف دولت + وجود گروه‌های انتقام‌جو + عدم مشروعیت + جریان وسیع آوارگان + مداخله دولت‌های دیگر؛ در این مسیر گرجستان قرار دارد.

مسیر ششم: نخبگان مخالف دولت + سقوط اقتصادی سریع + فرار نخبگان به صورت مداوم + عدم مشروعیت + جریان وسیع آوارگان + مداخله دولت‌های دیگر؛ در این مسیر ارمنستان وجود دارد قرار دارد.

مسیر هفتم: عدم مشروعیت + کاربرد دلخواهانه از قانون؛ ۴ کشورهای دارای ثبات نسبی (عمان، کویت، قطر و امارات) نیز دارای مسیر همسانی هستند که در صورت عدم توجه بدان‌ها، به مرز هشدار شکنندگی خواهند رسید.

شاخص سازگاری محاسبه شده برابر است با ۰٫۸۶ که نشان‌دهنده شروط لازم بررسی شده بیش از ۹۵ درصد از مشاهدات به‌طور کامل از اصل زیرمجموعه پیروی نموده‌اند و این به معنی اهمیت نظری موضوع مورد بررسی است.

شاخص پوشش نیز ۰٫۹۲ محاسبه شده است که اهمیت شروط مورد بررسی برای وقوع نتیجه است.

(ب) تحلیل نظری

امنیت منطقه‌ای آسیای جنوب‌غربی

نتیجه بررسی کشورهای مجاور ایران در منطقه آسیای جنوب‌غربی، مشخص ساخت که ۱۳ کشور در طیف کشورهای دارای هشدار شکنندگی تا شکننده قرار دارند. این موضوع مؤید این نکته است که منطقه آسیای جنوب‌غربی دارای موضوعات حاد امنیتی است. مسئله از این جهت اهمیت پیدا می‌نماید گروه‌های انتقام‌جو حاضر در این منطقه، در تأمین نیرو برای داعش نقش مؤثری داشتند و پس از اضمحلال داعش نیز، بخشی از نیروهای باقیمانده به این منطقه بازگشته‌اند. ظهور مسائلی مشابه آنچه ترسیم گردید، موجب متبادر ساختن این موضوع در حوزه روابط می‌گردد که امروزه درک صلح و امنیت یک کشور بدون توجه به چهارچوب منطقه‌ای امکان‌پذیر نمی‌باشد (خسروی باب اناری، ۱۳۹۶: ۴۴).

زمینه‌های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی و مذهب است. چندجانبه‌گرایی، اصول کلی رفتار را الزام کشورها به واکنش در برابر متجاوز در هر زمان و هر مکانی که اتفاق بیفتد، نه بر اساس وضعیت‌های دلخواه می‌داند. این اصل مشارکت برابر کشورهای عضو را تحت نهادهای چندجانبه برجسته می‌کند (جوزانی کهن و جوزانی کهن، ۱۳۹۸: ۵). همچنین این تعریف از این مفهوم ارائه شده است: چندجانبه‌گرایی عبارت است از شرایطی که چندین کشور یا سازمان‌های بین‌المللی در خصوص دستیابی به هدفی خاص یا برخورد با مسئله‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند (روشن و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۹).

اصولاً در سیستم امنیت دسته‌جمعی، امنیت موضوعی سیستمی است. به عبارتی، مختص به کشوری خاص نیست، بلکه مسئله متعلق به تمامی کشورهاست و آن‌ها همگی امنیت اعضای سیستم را چنان مورد توجه قرار می‌دهند که گویی امنیت آن‌ها مطرح است (روشن و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۰). به همین دلیل نیز اصول چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی را چنین برشمرده‌اند: غیرقابل تقسیم بودن^۲ اصل تفکیک‌ناپذیر یک سیستم امنیت جمعی است. غیرقابل تقسیم بودن یعنی جنگ در برابر یک کشور به معنای جنگ در برابر همه کشورها است. هسته مرکزی سیستم امنیت جمعی غیرقابل تقسیم بودن مصالح و حرکت به سمت کاهش طبیعی تجاوز است. امنیت مختص به کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به تمامی کشورها است. اصول کلی رفتار^۳ معمولاً در شکل هنجارهای پذیرفته‌شده کلی به‌جای روابط مورد به مورد و بر اساس اولویت‌های فردی، ضرورت‌های موقعیتی با زمینه‌های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی، مذهب و غیره است. این اصل عنصر اساسی تطبیق و هماهنگی امور بین کشورهاست. چندجانبه‌گرایی شکل نهادی عام زندگی بین‌المللی در دوران معاصر است. اصول کلی رفتار، الزام کشورها به واکنش در برابر متجاوز در هر زمان و هر مکانی که اتفاق بیفتد، است.

مقابله به مثل پراکنده^۴ ترتیباتی است که توسط

مسائل امنیتی آسیای جنوب غربی و سیاست خارجی ایران: لزوم چندجانبه‌گرایی^۱

بررسی وضعیت شکنندگی دولت‌ها در آسیای جنوب غربی مشخص ساخت که هر یک از کشورهای منطقه، دارای تحت تأثیر متغیرهای خاصی قرار داشته و براین اساس می‌توان وضعیت آن‌ها از دیگر تمایز نمود. همچنین در تحلیل نظری بیان گردید که امنیت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی می‌بایست مطمح نظر باشد، زیرا این منطقه دارای پویای امنیت مختص به خود است که جزء با همکاری کشورهای دخیل و تحت تأثیر از آن، فاقد راه حل است؛ اما این دو موضوع صرفاً در بحث تحلیل وضعیت و توضیح نظری باقیمانده، درحالی که آسیای جنوب غربی نیازمند اقدام جهت بهبود وضعیت است. در این خصوص به نظر می‌آید که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه، از توانایی لازم جهت ایفا نقشی مهم، از طریق توسعه سیاست خارجی چندجانبه‌گرا، برخوردار است.

مفهوم چندجانبه‌گرایی برای نخستین بار در قرن بیستم به‌عنوان یک الگوی دیپلماسی در کنار دیپلماسی دوجانبه ظاهر شد. در ساده‌ترین مفهوم، این اصطلاح به معنی اقدام گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر یا اقدامی میان آن‌هاست. این الگو یک جایگزین و مکمل روابط دوجانبه است (روشن و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۹). رابرت کوهن این مفهوم را این‌گونه تعریف نموده است: چندجانبه‌گرایی عمل تطبیق و هماهنگی سیاست‌های ملی در بین سه یا بیشتر از سه کشور با ترتیبات موقت یا به‌وسیله نهادهای بین‌المللی است (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۱). روگی وجه مشترک ترتیبات چندجانبه‌گرایی را وجود مجموعه قواعدی می‌داند که مناسبات میان گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر را مطابق با اصول عمومی رفتار تنظیم می‌کند؛ اصول کلی رفتار معمول در شکل هنجارها و نرم‌های پذیرفته شده کلی (نه جهانی) به‌جای روابط مورد به مورد و بر اساس اولویت‌های فردی، ضرورت‌های موقعیتی با

2 Indivisibility

3 Principles of Conduct Generalized

4 Diffuse Reciprocity

1 Multilateralism

در خصوص کشور و عربستان، اردن و بحرین: تمامی عوامل شناسایی شده در حوزه عوامل سیاسی قرار دارد بنابراین، در خصوص این دو کشور، هدف‌گیری سیاست‌خارجی برای ایجاد رغبت در چندجانبه‌گرایی، تمرکز بر موضوعات سیاسی است؛ هر سه کشور دارای شرایط نامساعد در مشروعیت هستند و در عین حال شاخص وجود گروه‌های متخاصم نیز در هر سه کشور در وضعیت نامناسبی قرار دارد.

در خصوص کشورهای ترکیه و لبنان مسیر تقریباً مشابهی وجود دارد: تأثیرگذاری عوامل سیاسی، در کنار وضعیت نامساعد اقتصادی. در این دو کشور، گزینه تأثیرگذاری کشورهای خارجی نیز وجود دارد که نیازمند توجه ویژه می‌باشد. مهم‌ترین عامل در ترکیه، وجود گروه‌های متخاصم بوده و در لبنان این موضوع مربوط به نخبگان مخالف دولت است که در هر دو مورد سیاست‌خارجی ایران توانایی بالقوه مناسبی را داراست.

در خصوص کشور پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه و یمن که در وضعیت شکنندگی قرار دارند نیز تمامی شاخص‌ها نامناسب است؛ لیکن مهم‌ترین عوامل را می‌توان حضور نیروهای خارجی فرامنطقه‌ای، نخبگان مخالف دولت و گروه‌های متخاصم دانست. این موضوع به‌ویژه در خصوص عراق و سوریه، بر ترکیه و لبنان نیز تأثیرگذار بوده است؛ بنابراین در چندجانبه‌گرایی در خصوص وضعیت عراق و سوریه، حضور ترکیه و لبنان نیز عامل مهمی در موفقیت مجموعه و نیز بهبود وضعیت آن‌ها خواهد داشت. همچنین، مسائل امنیتی کشورهای هم‌مرز در شرق ایران برای کشورهای دیگر از جمله هندوستان نیز مهم است و می‌توان از توانائی‌های این کشور در بهبود وضعیت موجود به‌ویژه در خصوص افغانستان استفاده نمود. همچنین چندجانبه‌گرایی در این منطقه از توانائی بالقوه برای کاهش بحران کشمیر نیز برخوردار است و به بهبود وضعیت امنیتی پاکستان نیز کمک خواهد رسانید.

در خصوص کشورهای شمال غرب که منطقه قفقاز جنوبی را نیز تشکیل می‌دهند (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) ۳ عامل بایست مورد توجه قرار گیرد: اول

کشورهای عضو یک سیستم امنیت جمعی در پاسخ به تجاوز در هر زمان و هر مکانی اتخاذ می‌شود (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۱).

تحلیل شکنندگی دولت‌های آسیای جنوب‌غربی و نظریه مجموعه امنیتی، مبرهن می‌سازند که حل مسائل موجود در این منطقه باتوجه به همگونی قومی متراکم در کشورهای هم‌مرز، نیازمند توجهات متفاوت و در عین حال متمرکز بر مسائل موجود است. این موضوع سیاست‌خارجی چندجانبه‌گرا تشریح گردید. جهت به‌کارگیری این موضوع، ضروری است تا ضمن شناخت و همسان‌سازی صورت گرفته در وضعیت شکنندگی دولت‌ها، از امکانات موجود در جهت اهداف سیاست‌خارجی سود جست. به عبارت دیگر، سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست شناختی منطبق بر واقعیت از کشورهای همسایه خود داشته و بر اساس وضعیت مشابهی که در منطقه جغرافیایی آن وجود دارد، سیاست‌خارجی هدفمندی را پایه‌گذاری نمود. بر این اساس و توضیحات ذکر شده در قسمت بررسی وضعیت کشورهای آسیای جنوب‌غربی، گام اول سیاست‌خارجی چندجانبه‌گرا می‌بایست وضعیت‌های ذیل را مدنظر داشته باشد:

نخست آنکه باید بدین موضوع توجه داشت که سوابق موضوعات امنیتی موجود در این منطقه خاطر نشان می‌سازد که بروز ناامنی در یک کشور این منطقه تأثیر فزاینده بر نحوه عملکرد نخبگان مخالف و گروه‌های انتقام‌جوی دیگر کشورها نیز خواهد داشت و ادامه این وضعیت، مجال بیشتری برای مخالفان و گروه‌های متخاصم را فراهم خواهد ساخت که این موضوع به ایجاد وضعیت امنیتی و بروز خشونت دامن خواهد زد. چندجانبه‌گرایی لازم در این خصوص، حمایت از دولت‌های موجود و یاری آن‌ها در جهت افزایش مشروعیت در گام اول خواهد بود. همچنین، باتوجه به صبغه تاریخی حضور ایران در منطقه، می‌توان از ظرفیت اقناع‌گری ایران در خصوص گروه‌های نخبه کشورهای منطقه استفاده نمود. تشکیل نیروی نظامی مشترک جهت مقابله با اقدامات احتمالی گروه‌های انتقام‌جو نیز دیگر اقدام امنیتی چندجانبه‌گرایانه در منطقه خواهد بود.

زیربنای سایر اقدامات، در صورت عدم وجود آن، انجام هرگونه فعالیت ازجمله اقتصادی، غیرممکن و دارای هزینه‌های فراوان است.

یک سیاست خارجی موفق، معطوف به وضعیت‌های متفاوتی است که در حال وقوع است؛ چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی این امکان را به وجود خواهد آورد که با هر گروه از دولت‌های هدف، بر سر موضوعات مشخص و تأثیرگذار همکاری و تشریک‌مساعی صورت پذیرد. این موضوع ضمن هدفمند نمودن هزینه‌ها، تنوع‌بخشی به ابزارهای سیاست خارجی را در پی خواهد داشت. شناسایی ۷ مسیر در شکنندگی دولت‌های آسیای جنوب‌غربی، لزوم توجه به چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی را مبرهن می‌سازد. به‌کارگیری اصول چندجانبه‌گرایی، به بهبود وضعیت امنیتی منطقه آسیای جنوب‌غربی استمداد رسانیده و درعین‌حال، ایران را به ایفاگر نقش محوری در منطقه تبدیل خواهد نمود.

فهرست منابع و مآخذ

- اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سیدشمس‌الدین؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴: ۲۱۴-۱۹۱.
- اقارب‌پرست، محمدرضا (۱۳۹۰)، ترتیبات امنیت جمعی: الگویی نو برای ایجاد امنیت در خلیج فارس، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۹: ۲۷۴-۲۶۷.
- ایمانی، همت؛ دیلمقانی، فرشید؛ روشنی، حدیث (۱۳۹۷)، رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲: ۱۱۴-۸۷.
- بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراابراهیم، ناصر؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۰)، بازخوانی منطق‌های امنیتی بازیگران قفقاز جنوبی (مرز پرآشوب)، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۵: ۴۹-۲۷.

آنکه حضور و نفوذ دولت‌های بیگانه نقش مؤثری در وضعیت این کشورها داشته و در کنار آن، عدم مشروعیت دولت‌های مستقر نیز از سویی باعث تشدید حضور نیروهای خارجی و درعین‌حال تشدید وضعیت این کشورها شده است. عامل مهم دیگر نیز نخبگان مخالف دولت در این سه کشور است که نقش بسزایی در بروز مسائل امنیتی و تغییر دولت‌ها در این منطقه در سال‌های اخیر داشته است. وجود سابقه طولانی رابطه ایران با کشورهای منطقه و ایفای نقش در برخی مجادلات مرزی قفقاز نقش از سوی ایران، زمینه مساعد برای ایجاد چندجانبه‌گرایی در این منطقه است. از دیگر بازیگرانی که می‌توان در بهبود وضعیت این منطقه یاری جست، روسیه است که دارای مرز مشترک با این کشورها بوده و همچنین اتحادیه اروپا که در تأمین انرژی خود نیاز مبری به کشورهای این منطقه دارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی صورت گرفته بیانگر این امر است که شکنندگی دولت‌ها در منطقه آسیای جنوب‌غربی حاصل ترکیب چندین عامل و درنتیجه مسیره‌های متفاوت است، و درواقع وضعیت نهایی مشابه می‌تواند از موقعیت‌های متفاوتی حاصل آمده باشد. بر اساس تحلیل منطق فازی، دولت‌های این منطقه در ۷ مسیر متفاوت شکنندگی قرار گرفته‌اند؛ بدین معنی که هر یک از کشورها دارای مسیری تفاوت در شکنندگی است. بوزان در نظریه خود معتقد است که راهکار حل معضلات امنیتی، توجه به سطح منطقه و اقدامات مشترک واحدهای حاضر در آن، جهت رفع خطر مشترک است. بررسی وضعیت آسیای جنوب‌غربی در شکنندگی دولت‌ها مشخص نمود که در این منطقه احتمال وقوع مسائل امنیتی و بروز خشونت وجود داشته، چراکه دو متغیر نخبگان مخالف و گروه‌های انتقام‌جو و متخاصم، دارای وضعیت نامساعدی در هر ۱۳ کشور این منطقه هستند. تجمیع شرایط ذکرشده، الزام توجه ویژه به وضعیت امنیتی منطقه آسیای جنوب‌غربی را به اثبات می‌رساند، چراکه امنیت اصل اساسی سیاست خارجی بوده و به‌عنوان

- پیشگاهی فرد، زهرا؛ علیزاده، عمران (۱۳۹۷)، بررسی الگوهای جدید همگرایی منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی، مطالعات آسیای جنوب غربی، سال اول، شماره ۱: ۳۷-۵۹.
- جوزانی کهن، شاهین؛ جوزانی کهن، شایان (۱۳۹۸)، چندجانبه‌گرایی بر اساس مدل اجماع پکن؛ راهبرد چین در منطقه آسیای شرقی، سیاست خارجی، سال سی و سوم، شماره ۳: ۱۵۴-۱۳۷.
- جمشیدی، حبیب‌الله؛ مهکویی، حجت؛ گودرزی، مهناز؛ مؤمنی، مهدی (۱۳۹۷)، بررسی عضویت ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای در آسیای مرکزی با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره ۱: ۱۹۵-۲۱۵.
- چگنی‌زاده، غلامعلی؛ احمدیان، فریدون (۱۳۹۸)، رابطه ضعف دولت در خاورمیانه با منازعه‌آمیز شدن مجموعه امنیتی منطقه‌ای و ناامنی (عراق و سوریه)، سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره ۲: ۱۰۶-۶۷.
- چگنی‌زاده، غلامعلی؛ تاجیک، هادی؛ نبوی، سیدمهدی (۱۳۹۲)، تأثیر تحولات سوریه بر الگوی تعاملی میان ایران و ترکیه؛ الگوی مفهومی و نظری، آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۲۱: ۱۱۰-۶۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم (۱۳۹۶)، تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا، تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره ۱۲۵: ۲۰-۹.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۹)، موانع فزاینده‌ی منطقه‌گرایی درون‌زا در خاورمیانه از منظر مکتب کپنهاگ، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره ۴: ۱۴۶-۱۲۵.
- خسروی باباناری، ملک تاج (۱۳۹۶)، رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه آسیای مرکزی، مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹: ۵۸-۳۱.
- دریکوند، بهروز؛ یزدان‌پناه درو، کیومرث، اخباری، محمد (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی فضای ژئوپلیتیکی پسا داعش در منطقه غرب آسیا (مطالعه موردی عراق)، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره ۱: ۱۹۳-۱۷۶.
- دهشیری، محمدرضا؛ معبودی، فرشته (۱۳۹۶)، ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، سیاست‌های راهبردی و کلان، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۷۱-۱۴۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، اصول و مبنای روابط بین‌الملل (۱)، تهران: سمت.
- دیانت، محسن؛ روشن‌چشم، حامد (۱۳۹۶)، آثار و پیامدهای حضور و ظهور گروه‌های افراطی در تحولات امنیتی غرب آسیا در بستر جهانی‌شدن (با تأکید بر داعش)، راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۱: ۱۱۸-۸۱.
- ذاکری، مهدخت (۱۳۹۷)، بررسی رابطه فرایند شناسایی حداکثری و ناامنی انسانی در غرب آسیا؛ مطالعه موردی داعش، مطالعات سیاسی، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۱۶۶-۱۴۹.
- روشن، امیر؛ فرجی، محمدرضا؛ رنجبرحیدری، وحید (۱۳۹۵)، چندجانبه‌گرایی؛ راهبرد چین در آسیای مرکزی، راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره ۷۹: ۶۹-۴۷.
- زارعان، احمد (۱۳۹۷)، ارزش غرب آسیا در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۵: ۱۳۰-۱۰۱.
- سازمند، بهاره؛ جوکار، مهدی (۱۳۹۵)، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره ۲: ۱۷۷-۱۵۱.
- ساعی، علی (۱۳۸۸)، فازی سازی دموکراسی، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره اول، شماره ۱: ۱۹۱-۱۶۷.
- ساعی، علی؛ کبیری، افشار؛ کسرایی، محمدسالار؛ صادقی، حسین (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۰: ۹۴-۶۳.
- ساعی، علی (۱۳۹۰)، استدلال انتقادی در باب نسبت تئوری باتجربه: مطالعه موردی دستگاه‌های معرفتی پوزیتیویستی، عقلانیت انتقادی و فازی، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سوم، شماره ۲: ۹۲-۶۱.
- ساعی، علی؛ کبیری، افشار (۱۳۹۱)، تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی: مطالعه بین کشوری با رویکرد فازی از سال ۲۰۰۸-۲۰۰۰، علوم اجتماعی،

شماره ۵۸: ۱۰۸-۵۹.

- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۷)، پسا داعش و معماری تروریسم در غرب آسیا، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال هشتم، شماره ۳۲: ۱۱۱-۸۵.

- سرمست، حمیدرضا؛ بیژنی، علی؛ اخباری، محمد (۱۳۹۸)، ارائه الگوی منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره ۱: ۳۲۴-۳۱۱.

- شاپوری، مهدی؛ موسوی شفائی، مسعود؛ سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۶)، نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست‌ خارجی، مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۲: ۳۱-۷.

- شفیعی، حسن؛ رستگارپور، رضا؛ دهشیری، محمدرضا (۱۴۰۰)، تأثیر ادراک و سوء ادراک بر سیاست‌ خارجی ج. ا. ایران طی مهروموم‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۹ (مطالعه موردی: رابطه ایران و آمریکا). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره ۱: ۲۹۹-۲۷۱.

- شفیعی، نوذر؛ فرجی نصری، شهریار (۱۳۹۳)، ترتیبات سیاسی امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱: ۳۱-۹.

- صفوی، سیدحمزه؛ نبوی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، تأثیر بحران سوریه بر مجموعه امنیتی غرب آسیا، منافع ملی، سال اول، شماره ۲: ۵۱-۳۳.

- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی؛ منصوری، منصوره (۱۳۹۸)، تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست‌محیطی جمهوری اسلامی ایران، سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره ۲: ۳۲۲-۲۹۱.

- عبدی، عطاالله؛ حسینی، سیدمحمدحسین؛ صادقی، وحید (۱۳۹۴)، بازسازی تحولات جنوب غرب آسیا بر بنیاد رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه، سیاست‌ خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲: ۱۳۹-۱۱۷.

- عزیززی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، تحلیل پیوندهای امنیتی ایران و آسیای مرکزی بر اساس نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره یازدهم، شماره ۱: ۱۵۷-۱۷۵.

- علی‌پور، عباس؛ حیدری، جهانگیر؛ فعلی، امین

(۱۳۹۳)، عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر گسترش جریان‌های تکفیری در جنوب غرب آسیا، آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳: ۲۲۷-۱۹۷.

- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، آزمون فازی فرضیات شرط لازم و شرط کافی در علوم اجتماعی، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۸: ۵۰-۲۹.

- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۰)، اصول سیاست‌ خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.

- کولائی، الهه؛ اکبری، زیبا (۱۳۹۶)، دولت شکننده در عراق و امنیت زنان، سیاست، دوره چهل و هفتم، شماره ۱: ۱۷۷-۱۵۹.

- مرادی‌نیا، سجاد؛ پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ یزدان‌پناه، کیومرث؛ زارعی، بهادر (۱۳۹۸)، تأثیر ساختار ژئوپلیتیک حاکم بر روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا بر رقابت آن‌ها در جنوب غرب آسیا، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره ۲: ۲۶۰-۲۴۰.

- معلومی؛ فاطمه‌السادات؛ زرگر، افشین (۱۳۹۸)، تحلیل جنگ داخلی سوریه بر مبنای نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال دهم، شماره ۳۹: ۵۸-۲۷.

- نیاکوئی، سید امیر؛ عسگریان، محسن (۱۳۹۴)، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، رقبای منطقه‌ای و ضرورت منطقه‌گرایی در سیاست‌ خارجی ایران (تحلیل وضعیت پیش‌رو و چشم‌انداز مطلوب)، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره پنجم، شماره ۱۷: ۱۰۴-۶۹.

- نورمحمدی، مرتضی؛ فصیحی دولتشاهی، محمدعارف (۱۳۹۷)، کاربرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره دهم، شماره ۲: ۱۸۹-۱۵۳.

- ویسی، هادی (۱۳۹۸)، واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر منطقه جنوب غرب آسیا، جغرافیا و توسعه، شماره ۵۵: ۱۹۲-۱۷۵.

- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، مطالعات راهبردی، شماره ۴۶: ۳۶-۵.

- Buzan, Barry; & Waeber, Ole. (2003). Regions and Powers: The Structure

شماره ۵۸: ۱۰۸-۵۹.

- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۷)، پسا داعش و معماری تروریسم در غرب آسیا، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال هشتم، شماره ۳۲: ۱۱۱-۸۵.

- سرمست، حمیدرضا؛ بیژنی، علی؛ اخباری، محمد (۱۳۹۸)، ارائه الگوی منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره ۱: ۳۲۴-۳۱۱.

- شاپوری، مهدی؛ موسوی شفائی، مسعود؛ سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۶)، نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست‌ خارجی، مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۲: ۳۱-۷.

- شفیعی، حسن؛ رستگارپور، رضا؛ دهشیری، محمدرضا (۱۴۰۰)، تأثیر ادراک و سوء ادراک بر سیاست‌ خارجی ج. ا. ایران طی مهروموم‌های ۱۳۷۶-۱۳۹۹ (مطالعه موردی: رابطه ایران و آمریکا). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره ۱: ۲۹۹-۲۷۱.

- شفیعی، نوذر؛ فرجی نصری، شهریار (۱۳۹۳)، ترتیبات سیاسی امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱: ۳۱-۹.

- صفوی، سیدحمزه؛ نبوی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، تأثیر بحران سوریه بر مجموعه امنیتی غرب آسیا، منافع ملی، سال اول، شماره ۲: ۵۱-۳۳.

- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی؛ منصوری، منصوره (۱۳۹۸)، تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست‌محیطی جمهوری اسلامی ایران، سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره ۲: ۳۲۲-۲۹۱.

- عبدی، عطاالله؛ حسینی، سیدمحمدحسین؛ صادقی، وحید (۱۳۹۴)، بازسازی تحولات جنوب غرب آسیا بر بنیاد رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه، سیاست‌ خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲: ۱۳۹-۱۱۷.

- عزیززی، حمیدرضا (۱۳۹۷)، تحلیل پیوندهای امنیتی ایران و آسیای مرکزی بر اساس نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره یازدهم، شماره ۱: ۱۵۷-۱۷۵.

- علی‌پور، عباس؛ حیدری، جهانگیر؛ فعلی، امین

of International Security, New York: Cambridge University Press.

- Buzan, Barry; & Waever, Ole. (2009) Macro securitization and security constellations: reconsidering scale in securitization theory, Review of International Studies, 276-253 ,(2) 35.

- Collier, P. (2003). Breaking the Conflict Trap, World Bank Policy Research Report, Washington Oxford University Press.

- De Blij, Harm; & Muller, Peer (1994). Geography: Realms, Regions and Concepts, New York: John Wiley and Sons.

- Fragil States Index (2019), Found for Peace (FFP), at: Foundforpeac.org/library/-fragilstatesindex2019-.pdf.

- Grigsby, Ellen (2009); "Analyzing Politics An Introduction to Political Science", Available in:

www.nicat-mammadli.narod.ru/b1.html/b35.pdf

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی